

کاشمش

■ گلشن مهر شناسنامه گلستان است
سه شنبه ۲۷ آبان ماه ۱۴۰۴ / سال بیست و هفتم / شماره ۳۰۸۱ / ۸ صفحه / ۲۵۰۰۰ تومان

نوز

مزون نوزا

در خدمت همشهریان عزیز

دوخت فرم مدارس متوسطه اول و دوم

شامل مانتو، شلوار ، مقنعه و انواع شومیز

سفارش همه روزه از ساعت ۹ الی ۱۴- میر مجیدی

۰۹۳۹۳۰۱۶۱۷۲-۰۱۷۳۲۲۲۴۸۰۲

nozhaa_collection

۲

شهرداربها و توسعه کتابخانه های عمومی

«یادداشت»

»

زراعت کم آبد، پاسخ به بحران کم آبی و خاک های شور

»

۲

فوتبالست گرگانی مدیرفنی آکادمی

دوب آهن شد

»

یادداشت اول

افول سرمایه انسانی

در گلستان

■ فاطمه سراوانی

استان گلستان با فرهنگی غنی و مردمی سخت‌کوش، یکی از مهم‌ترین استان‌های شمال ایران است. با این حال، در سال‌های اخیر، شاهد روندی نگران‌کننده در حوزه سرمایه انسانی این استان هستیم؛ روندی که نشان‌دهنده کاهش کیفی و کمیت نیروی انسانی متخصص و ماهر است. این روند را می‌توان با عنوان افول سرمایه انسانی توصیف کرد که نه تنها بر کیفیت زندگی اجتماعی و اقتصادی این استان تأثیر می‌گذارد، بلکه رشد و توسعه آن را نیز به چالش کشیده است. یکی از علل اصلی افول سرمایه انسانی در گلستان، مهاجرت گسترده جوانان متخصص به دیگر استان‌ها و حتی کشورهای دیگر است. این مهاجرت‌ها به دلیل نداشتن فرصت‌های شغلی مناسب، پایین بودن دستمزدها و شرایط اقتصادی ضعیف در استان رخ می‌دهند. بسیاری از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و جوانان جویای کار به شهرهای بزرگ‌تر می‌روند، جایی که فرصت‌های شغلی و زندگی بهتری در انتظار آنهاست. این مهاجرت‌ها موجب از دست دادن استعدادها و متخصصانی می‌شود که می‌توانستند در بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی استان نقش بسزایی ایفا کنند. دومین عامل تأثیرگذار بر افول سرمایه انسانی در گلستان، ضعف زیرساخت‌های آموزشی و ناتوانی در جذب و حفظ نیروهای آموزشی باکیفیت است. اگرچه این استان در گذشته دارای مدارس و دانشگاه‌هایی با سطح علمی مطلوب بود، اما در سال‌های اخیر کمبود امکانات آموزشی، فقدان تجهیزات به روز و ضعف در برنامه‌های آموزشی باعث افت کیفیت آموزش شده است. در نتیجه، نسل‌های جدید از جوانان استان، آموزش‌های سطح پایین‌تری دریافت می‌کنند که در نهایت به تولید سرمایه انسانی با کیفیت پایین منتهی می‌شود. همچنین بی‌توجهی به نیازهای تخصصی بازار کار و عدم تطابق برنامه‌های آموزشی با آن نیازها، موجب ناتوانی دانش‌آموختگان در ورود به بازار کار و رشد حرفه‌ای آنان شده است.

ادامه در صفحه ۲

سکوت نوجوانان؛

هیاهوی درونی یا فریاد خاموش؟! «۸»

تذریق جان دوباره به فاضلاب

۲۰ ساله آزادشهر «۶»

دفاعیه سقراط، فلسفه ای برای رسیدن به حقیقت

»۵-۴«

سوءمدیریت در ایستگاه شوری آق‌قلا

اعتراضی امان زاده



مهران قجری- چند روز پیش، خبری توجه‌ها را به خود جلب کرد؛ خبری که از اعتراض عبدالغفور امان‌زاده، نماینده مردم گرگان و آق‌قلا در مجلس شورای اسلامی، به کاشت شالی در ایستگاه تحقیقات شوری آق‌قلا در بازدید از این ایستگاه تحقیقاتی حکایت داشت. این موضوع حکایت از چالش‌های عمیقی در عرصه تحقیقاتی و بهره‌برداری علمی از منابع طبیعی در کشور دارد. موضوع این اعتراض، صرفاً به یک مدیریت غلط در کشاورزی محدود نمی‌شود؛ بلکه مسأله‌اساسی‌تری را دربر می‌گیرد که آن هم نادیده گرفتن نیازهای واقعی پژوهش‌های علمی در حوزه شوری خاک و مدیریت منابع آب در یکی از مناطق حساس استان گلستان است. ایستگاه تحقیقاتی شوری آق‌قلا که در کیلومتر ۲۲ جاده گرگان-آبارالوم واقع شده، سال‌هاست به عنوان یکی از مراکز اصلی پژوهشی در زمینه شوری خاک و مدیریت منابع آب در مناطق نیمه‌خشک و شور کشور مطرح بوده است. این ایستگاه با مساحت ۴۳ هکتار و ارتفاع ۵ تا ۱۰ متر از سطح دریا، به عنوان محلی برای آزمایش و تحقیق درخصوص غلات، دانه‌های روغنی، ذرت علوفه‌ای و گیاهان دارویی به کار گرفته می‌شود. با توجه به وضعیت خاص منطقه آق‌قلا و چالش‌هایی که شوری خاک و کمبود منابع آبی به وجود آورده‌اند، این ایستگاه می‌تواند به عنوان یک پایگاه علمی ارزشمند در ارائه راهکارهای بهینه برای مقابله با شوری خاک و بهبود وضعیت کشاورزی در منطقه نقش آفرینی کند. اما حالا با وجود این ظرفیت‌های تحقیقاتی، وضعیت استفاده از این ایستگاه به شلّت با غفلت مواجه شده است. این‌که در سال‌های اخیر شاهد کاشت شالی در این ایستگاه بوده‌ایم، به نظر می‌رسد که نشان‌دهنده یک سوءمدیریت یا حداقل غفلت از ظرفیت‌های موجود باشد. به طور کلی، شالی‌کاری در مناطقی با شوری بالا و منابع آبی محدود نه تنها یک انتخاب اشتباه است، بلکه می‌تواند به بحران‌های محیط زیستی و اقتصادی جدیدی دامن بزند. شالی به عنوان یک محصول آب‌بر و حساس به شوری، در این مناطق نه تنها نمی‌تواند به طور مؤثر رشد کند، بلکه ممکن است به طور غیرمستقیم باعث تشدید شوری خاک و فرسایش منابع آبی شود. این انتخاب به ویژه در شرایطی که کشور با بحران‌های جدی آب و شوری خاک مواجه است، نشان‌دهنده یک بی‌توجهی به پژوهش‌های علمی و عدم بهره‌برداری صحیح از ظرفیت‌های تحقیقاتی کشور است. ایستگاه تحقیقات

ادامه یادداشت اول

افول سرمایه انسانی در گلستان همچنین به دلیل کمبود سرمایه‌گذاری‌های کلان در بخش‌های صنعتی و کارآفرینی است. به رغم دارا بودن منابع طبیعی غنی و موقعیت استراتژیک در نزدیکی دریای خزر، استان گلستان هنوز نتوانسته به یک قطب صنعتی و تولیدی

تبدیل شود که باعث جذب نیروی انسانی متخصص و کارآفرین شود. در نتیجه، بسیاری از جوانان استان که در حوزه‌های مختلف تخصص دارند، به دلیل نبود فضای مناسب برای فعالیت حرفه‌ای و تجاری، به فعالیت‌های غیرتخصصی روی می‌آورند و یا از استان مهاجرت می‌کنند. این شرایط به مرور زمان موجب کاهش تعداد متخصصان و حرفه‌ای‌ها در استان می‌شود. در کنار عوامل اقتصادی و زیرساختی، یک عامل فرهنگی نیز در افول سرمایه انسانی در گلستان نقش دارد. در این استان، هنوز

و فرهنگی را شامل می‌شود. این وضعیت نیازمند توجه جدی از سوی مسئولان و برنامه‌ریزان است. اما به نظر می‌رسد که در شرایط کنونی، سخن از توسعه و تبدیل شدن به یک قطب اقتصادی بیش از آن که هدفی قابل دست‌یابی باشد، به یک سراب می‌ماند. بدون اصلاحات اساسی در حوزه‌های آموزش، اشتغال و بهبود زیرساخت‌ها، این استان همچنان با چالش‌های جدی رویه‌رو خواهد بود و فرصت‌های بالقوه‌ای که می‌توانستند به رشد و پیشرفت منجر شوند، از دست خواهند رفت.

«

شهرداریها و توسعه کتابخانه های عمومی

سید محسن حسینی "برساووش"

سال ۱۳۷۲، روز ۲۴ آبان که مصادف با سالروز وفات علامه طباطبایی (صاحب مجموعه کتاب های وزین از جمله تفسیر قرآن المیزان) است، به عنوان روز کتاب و کتابخوانی و روزهای بعد از آن نیز به عنوان هفته کتاب نامگذاری شد. در هفته کتاب، در مدارس، دانشگاه‌ها، حوزه های علمیه، ادارات، کتابخانه های عمومی و مساجد، نمایشگاه، جشن و سخنرانی در موضوع کتاب برگزار می‌شود. نگارنده به‌اعتبار تالیف چند جلد کتاب و دست‌اندرکار بودن در تالیف و چاپ تعدادی دیگر و نیز فعالیت بعنوان مدیرکل امور شهری و شوراهای استانداری گلستان در سنوات قبل، لازم می‌دانم درخصوص کتاب، کتابخانه های عمومی و نقش شهرداریها در توسعه کتابخانه های عمومی مطالبی را عنوان دارم. ۱- بدیهی است هر پیشرفتی در جوامع انسانی مبتنی بر فرهنگ بوده و پایه فرهنگ هم کتاب است، لذا اهمیت کتاب و کتابخوانی، نه فقط در این

روز و هفته خاص، بلکه در طول سال و در همه ادوار زندگی انسان باید درجه اهمیت بالایی قرار گیرد. ۲- لازم است فرزندان خود را از کودکی کتابخوان کنیم تا لذت مطالعه را حس کنند و در آینده در هر شغلی که ورود داشته باشند، استان و کشور را با وضعیت مناسب تری اداره نمایند. ۳- در همه دورانه‌ها، بویژه در ادوار گرانی کتاب، کتابخانه‌های عمومی در گسترش دانش و ارتقای آگاهی‌های عمومی جامعه نقش به‌سزایی دارند و کمک به رشد و شکوفایی استعدادهای فردی، در راستای تولید اندیشه، علم و غنای فرهنگ جوامع از اهداف آنها است. ۴- در استان گلستان ۳۶ شهر وجود دارد که بجز ۳ شهر، در کلیه آنها کتابخانه عمومی تأسیس شده و بیش از ۳۰ هزار نفر عضو کتابخانه های استان هستند که حدود ۲۰ هزار نفر آن را نوجوانان و کودکان تشکیل می‌دهند. ۵- سرانه تعداد کتابخانه های عمومی موجود نسبت به جمعیت شهری استان از جمله در شهر گرگان در حد استاندارد نیست و لزوم افزایش تأسیس کتابخانه های عمومی در شهرها، بویژه شهرهای فاقد کتابخانه عمومی احساس می‌شود. ۶- در راستای ترویج فرهنگ کتابخوانی و اجرای ماده ۶ قانون تأسیس و نحوه اداره کتابخانه های عمومی مصوب مجلس شورای اسلامی، شهرداری ها موظفند نیم درصد از برخی درآمدهای معین شده خود را به حسابهای انجمن کتابخانه عمومی شهرها واریز کنند و چنانچه شهرداری ها طبق قانون این هزینه را به مقدار کافی و به موقع انجام دهند، کمک مؤثری به فرهنگ استان خواهند کرد. ۷- با توجه به اهمیت موضوع، نگارنده در زمان تصدی مدیرکلی امور شهری و شوراهای استانداری گلستان بابت کمک شهرداریها به کتابخانه های عمومی با شهرداران محترم جلسات و پیگیریهای متعدد برگزار و در نتیجه با اهتمام شهرداری های استان در سال ۱۴۰۲ مبلغ حدود ۷ و نیم میلیارد تومان و در سال ۱۴۰۳ حدود ۲۰ میلیارد تومان (۱۲ میلیارد تومان توسط شهرداریها و ۸ میلیارد تومان از محل درآمدهای شهرداریها، توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی) به حساب نهاد کتابخانه های عمومی واریز شد. ۸- بودجه سال ۱۴۰۴ شهرداری های ۳۶ گانه استان گلستان بالغ بر ۸ هزار میلیارد



تومان است، لذا ضمن تشکر از شهرداریهای استان در توجه به این امر مهم در سنوات قبلی، پیشنهاد می‌شود در راستای اداره و توسعه کتابخانه های عمومی، در سال ۱۴۰۴ کمک های شایسته تری به کتابخانه های عمومی استان ارائه نمایند. ۹- پیشنهاد می‌شود فرمانداران محترم به عنوان روسای انجمن کتابخانه های عمومی شهرستانها، طبق دستورالعملها نسبت به عضویت شهردار و رئیس شورای اسلامی هر شهر در انجمن کتابخانه های عمومی آن شهر اقدام نمایند. ۱۰- پیشنهاد می‌شود اداره کل کتابخانه های عمومی استان، ضمن تأسیس انجمن کتابخانه و نیز پیگیری تأسیس کتابخانه های عمومی در شهرهای فاقد انجمن، در راستای افزایش تعداد کتابخانه ها، موضوع تهاتر زمین و اموال به ازای بلدی شهرداری ها درخصوص سهم کتابخانه ها را به سرانجام برساند. امید است با اهتمام تک تک افراد جامعه، بویژه قشر تحصیلکرده و فرهیخته، کتابخانه های عمومی، این زیربنای فرهنگ و پیشرفت جامعه رشده دار ایران اسلامی و استان تاریخی گلستان، از نظر کمی و کیفی، توسعه‌ی بیش از پیش یابند.

زراعت کم آب‌بر، پاسخ به بحران کم آبی و خاک‌های شور

می‌دهند، بلکه با تناوب زراعی، ازت خاک را تثبیت کرده و حاصلخیزی را افزایش می‌دهند. صابری افزود: تنوع زراعی همچنین به کنترل آفات، بیماری‌ها و علف‌های هرز کمک می‌کند. وی با اشاره به موانع توسعه کشت گیاهان کم‌آب‌بر، اظهار کرد: کمبود زیرساخت‌های صنایع تبدیلی، مانند سیلو، مراکز خشک‌کن و ماشین‌آلات برداشت و نبود قیمت تضمینی، از چالش‌های اصلی هستند. محقق مرکز تحقیقات، آموزش کشاورزی و منابع طبیعی گلستان برای رفع این مشکلات پیشنهاد کرد: واحد تخصصی علوفه در مرکز تحقیقات کشاورزی گلستان تقویت شده و علاوه بر تعیین قیمت تضمینی و خرید توافقی محصولات علوفه‌ای، ظرفیت سیلو و انبارهای نگهداری افزایش یافته و ماشین‌آلات تخصصی مانند ردیف‌کار پنوماتیک واگذار شود. صابری همچنین بر توسعه آبیاری بارانی و تسطیح لیزری زمین‌ها، آموزش بهره‌برداران برای آشنایی با مزایای کشت کم‌آب‌بر و تبدیل دامداری‌های سنتی به صنعتی برای تکمیل زنجیره ارزش تأکید کرد. بر اساس برنامه ابلاغی وزارت جهاد کشاورزی، در سال زراعی جاری ۷۱۲ هزار هکتار از زمین‌های گلستان برای کشت محصولات پاییزه و بهاره اختصاص یافته است. کشت پاییزه شامل ۴۲۷ هزار هکتار گندم، ۶۰ هزار هکتار کلزا، ۸۵ هزار هکتار جو، پنج هزار و ۵۰۰ هکتار سیب‌زمینی و هشت هزار هکتار چغندر قند است که عملیات کاشت آن‌ها آغاز شده است. کاهش منابع آبی گلستان، زنگ خطری برای آینده کشاورزی این استان است اما با مدیریت هوشمند مصرف آب و ترویج کشت گیاهان کم‌آب‌بر، می‌توان ضمن حفظ تولید، به پایداری منابع طبیعی کمک کرد که همکاری دستگاه‌های اجرایی، بهره‌برداران و محققان، کلید موفقیت این تحول است.



گزینه‌های مناسبی برای جایگزینی کشت‌های پرآب‌بر مانند ذرت علوفه‌ای هستند. محقق مرکز تحقیقات، آموزش کشاورزی و منابع طبیعی گلستان افزود: در دو سال اخیر، کشت این گیاهان در مناطقی مانند گمی‌شان، بندرتورکمن و مراوه‌تپه گسترش یافته و در صورت ترویج صحیح، درآمد آن‌ها با ذرت علوفه‌ای برابری می‌کند. این محقق با تأکید بر ویژگی‌های خاک‌های لب‌شور در شمال گلستان، گفت: گیاهانی مانند گل‌رنگ علوفه‌ای با ریشه‌های عمیق، برای زمین‌های شمالی که خاک شور و کم‌بازده دارند، بسیار مناسب‌اند چون این گیاهان نه‌تنها مصرف آب را کاهش

بر ضرورت تغییر الگوی کشت و مدیریت مصرف آب تأکید کرد. علیرضا صابری گفت: کم‌آبی، کشاورزی گلستان را تهدید می‌کند و در این شرایط، مدیریت مصرف آب زراعی یک اولویت راهبردی است و بر اساس آن، کشت گیاهان علوفه‌ای کم‌آب‌بر در مناطق شمالی استان، با استفاده از نزولات آسمانی و کاهش نیاز به آبیاری، می‌تواند تولید پایدار را تضمین کند. وی با اشاره به نتایج ۱۵ سال تحقیقات در این مرکز، اظهار کرد: گیاهانی مانند سورگوم، ارزن، تاج‌خروس، ماش علوفه‌ای، کلزا، گل‌رنگ، خردل و باقلا علوفه‌ای به دلیل نیاز کم به آب و مقاومت به خشکی،

زراعت کم‌آب‌بر، پاسخ به بحران کم آبی و خاک‌های شور گلستان در سال‌های اخیر با کاهش شدید منابع آبی، کاهش چشمگیر جریان رودخانه‌ها و ذخایر آبخوان‌ها مواجه شده که ادامه این روند، تولید محصولات کشاورزی را در معرض خطر جدی قرار داده که محققان کشاورزی، کشت گیاهان علوفه‌ای کم‌آب‌بر مانند سورگوم، ارزن و گل‌رنگ را به عنوان راهکاری برای مدیریت مصرف آب و حفظ تولید پایدار پیشنهاد می‌کنند. به گزارش ایرنا، مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای گلستان، در گزارش هفته نخست آبان امسال اعلام کرد: جریان رودخانه‌های استان نسبت به میانگین ۵۴ ساله به شدت کاهش یافته است. ایرج حیدریان، اظهار کرد: در حوضه قره‌سو ۳۵۹ درصد، گرگانرود ۷۷۷ درصد، خلیج گرگان ۵۲.۴ درصد و اترک ۱۰۰ درصد کاهش جریان آبدهی ثبت شده که این کاهش‌ها، تأمین آب آشامیدنی و کشاورزی را با چالش جدی مواجه کرده است. وی به وضعیت آبخوان‌های گلستان نیز اشاره کرد و گفت: ذخیره آبخوان‌های کم‌عمق در مهرماه امسال نسبت به میانگین ۲۴ ساله، ۲۵۷۳ میلیون مترمکعب و آبخوان‌های عمیق ۱۱۹.۹ میلیون مترمکعب کاهش داشته است. مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای گلستان افزود: حجم آب سد‌های بزرگ مخزنی استان در پایان مهرماه به ۷۳۸ میلیون مترمکعب رسیده که تنها سه درصد ظرفیت کل آن‌هاست و نسبت به سال گذشته ۱۰.۵۳ درصد کاهش نشان می‌دهد.

تهدید کشاورزی و ضرورت تغییر الگوی کشت

محقق مرکز تحقیقات، آموزش کشاورزی و منابع طبیعی گلستان، با توجه به تغییرات اقلیمی و کاهش منابع آبی



زیباترین امر اخلاقی و وظیفه حکومت



محمود شفیعی

زیباترین امر اخلاقی چیست؟ هر کسی ممکن است به این پرسش پاسخ متفاوتی دهد. در اینجا بعضی از پاسخ ها را مرور خواهیم کرد: تفاهم: کسانی بهترین امر اخلاقی را تفاهم می دانند. منظور از تفاهم این است که هیچ کسی را، به عنوان یک اصل اولیه اخلاقی، پیشاپیش مورد قضاوت قرار ندهیم، مگر اینکه کاملاً منظور از کار او را، با روش مناسب تفاهمی، به درستی درک کنیم. کار یک فرد می تواند از نوع کار گفتاری/نوشتاری، کرداری و یا پنداری باشد. یکی از بهترین راه های فهمیدن ماهیت کار یک شخص، وارد شدن به گفتگو با اوست. این گفتگو باید تا آنجا ادامه داشته باشد، که دو نفر به یک درک مشترک از کار فرد دست پیدا کنند. البته گفتگو ممکن است یک گفتگوی رودرو و ممکن است بین دو نفر گفتگویی فرضی صورت گیرد. وقتی یک نوشته را می خواهیم درست بفهمیم، بهترین راه، گفتگوی

فرضی رفت و برگشتی با آن متن خواهد بود. عادت کردن به این امر اخلاقی، مردم را از انواع بدگمانی ها نجات می دهد. به تدریج اعتماد به همدیگر در میان آنان افزایش می یابد. همچنین، با این شیوه، به تدریج، جامعه اخلاقی شکل می گیرد؛ دوستی بین افراد گسترش می یابد و کینه توزی های بی دلیل رو به کاهش می گذارد. حدیث امام صادق علیه السلام که می فرماید: «کار برادر مسلمان خود را، هر چند با هفتاد شکل از انواع توجیه ها، حمل بر صحت کن» می تواند یکی از ثمرات گرایش افراد به امر اخلاقی تفاهم در جامعه، در نظر گرفته شود. طبق این حدیث، قبل از تفاهم و درک دقیق کار دیگری، کسی حق ندارد کار شخص را به بدی تفسیر کند و بدگمانی را در جامعه گسترش دهد. نتیجه گیری: هر چند تفاهم امری اخلاقی است که در سطح افراد و جامعه مدنی، قلمرو خصوصی افراد و قلمرو عمومی جامعه مدنی را امن و با

استاد علوم سیاسی



فوتبالیست گرگانی مدیر فنی آکادمی ذوب آهن شد

پسندیده، مدیریت فنی آکادمی باشگاه را به وی سپارد تا با خیال راحت برنامه های مورد نظر خود را در ابعاد مختلف اجرا نماید. علی اکبر دهقان درباره ی بخشی از برنامه های مورد نظرش در آکادمی گفت: پیرو جلسه ای که نواب شوقی مدیر آکادمی، با قاسم حدادای فر سرمری بزرگسالان ذوب آهن در لیگ برتر داشت، ساز و کار مشترک استعدادیابی و ارزیابی تعریف و مقرر شد که پروفایل های فنی و شخصیتی بازیکنان رده های پایه به صورت مستمر بروزرسانی و در اختیار کادر تیم بزرگسالان قرار داده شود تا فرآیند انتخاب برای آن تیم شفاف، مستند و مبتنی بر داده های مورد نظر باشد. دهقان در ادامه ی صحبت هایش در مورد نقش آنالیز مسابقات، خاطر نشان ساخت که پس از هر بازی، ارزیابی فنی تیم ها انجام و گزارش های ویدئویی- تحلیلی در اختیار کادر فنی گذاشته می شود. نقاط ضعف و قوت تجزیه و تحلیل می شود که ضمن برطرف کردن نقاط ضعف، با تمرین های اصلاحی، نقاط قوت و موارد قابل بهبود به صورت هدف مند تعیین و در چرخه ی یادگیری، تمرین و مسابقه بازخورد کامل و موثری خواهد داشت. امیدواریم علی اکبر دهقان مربی و مدیر گرگانی آکادمی ذوب آهن اصفهان که هیچگاه در دوران بازیگری اش به حقش نرسید، در پست جدید بتواند دانش و تجارب ارزنده ی خود را در راه خدمت به نوجوانان و جوانان فوتبال ایران بکار گیرد و باعث شکوفایی استعداد های مستعد دیار نصف جهان و ایران شود.



علی اکبر دهقان

بهنام نیک پیام- علی اکبر دهقان هافبک و مهاجم گریز پای گرگانی مدیریت فنی آکادمی ذوب آهن اصفهان را برعهده گرفت. دهقان متولد سال ۱۳۴۸ در خیابان امامرضای گرگان است که فوتبالش را زیر نظر تقی مسعود، مرحوم حاجی مهینی و تنی چند از دیگر مربیان گرگانی در زمین های خاکی محله ی امامرضا و ایرانشهر گرگان شروع کرد. فوتبالیست اسبق تیم های استقلال گرگان، منتخب مازندران، تیم ملی جوانان و تیم منتخب دانشجویان ایران پس از پذیرفته شدن در دانشگاه صنعتی اصفهان، مسیر زندگی ورزشی اش در اصفهان رقم خورد و خیلی زود به تیم ذوب آهن راه یافت و پس از چند سال حضور درخشان در این تیم ریشه دار به تیم سپاهان دیگر تیم بزرگ و مطرح اصفهان و کشور پیوست که در این تیم نیز بسیار خوب درخشید و به عنوان یک بازیکن تاثیرگذار و باخلاق در لیگ سراسری کشور مطرح شد. درخشش علی اکبردهقان در برابر پرسپولیس و استقلال در لیگ کشور، او را به عنوان یکی از گزینه های جدی پیوستن به سرخابی های پایتخت در نقل و انتقالات مطرح نمود که هر بار و تا پایان دوران بازیگری اش به علت تعلق خاطر به فوتبال اصفهان، در این شهر ماندنی شد. فوتبالیست خوشنام گرگانی با آموزش دوره های مربیگری، هفت سال در تیم ذوب آهن مربیگری کرد و در لیگ برتر دستیار مربیانی همانند علیرضا منصوریان بود. با این رزومه ی مثبت، مدیریت باشگاه ذوب آهن برای تقویت تیم های پایه در اقدامی

غیناقی این طرح ملی را پل ارتباطی کودکان با دنیای مطالعه و پرسشگری نامید و تأکید کرد: هیچ کودکی نباید از کتاب و خلاقیت محروم بماند. وی با اشاره به اهداف فرهنگی و اجتماعی این برنامه افزود: هزار درنای کاغذی فقط یک طرح کتابخوانی نیست؛ بلکه گامی در کاهش آسیب های اجتماعی، تقویت مهارت های ارتباطی، رشد اجتماعی و ایجاد انگیزه برای یادگیری در کودکان است و می تواند الگوی ملی در پیوند میان مدرسه، کتاب و فعالیت های خلاقانه باشد. مدیرکل این کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان گلستان ادامه داد: این برنامه با همکاری کانون پرورش فکری، آموزش و پرورش، سازمان نوسازی مدارس و وزارت کشور اجرا شد و هدف اصلی آن، تجهیز کتابخانه های کلاسی در مدارس دورافتاده است. غیناقی افزود: این کتابخانه های کوچک، درجه ای به سوی یادگیری، کاهش آسیب های اجتماعی و تقویت مهارت های زندگی باز می کنند. وی گفت: در مرحله نخست، ۱۵ مدرسه از شهرستان های آزادشهر، گالیکش، علی آبادکتول، کردکوی و گنبدکاووس میزبان این طرح شدند و هر کتابخانه، دنیایی از داستان، شعر و فعالیت های خلاقانه را به دانش آموزان هدیه داد.

درناهای کاغذی بر فراز کلاس ها پرواز کردند

طرح ملی «هزار درنای کاغذی بر بام مدارس» همزمان با افتتاح کتابخانه های کلاسی در ۱۵ مدرسه استان گلستان با هدف تحقق عدالت فرهنگی و فراهم سازی دسترسی دانش آموزان مناطق کمبرخوردار به منابع مطالعاتی و فعالیت های خلاقانه آغاز شد. به گزارش روابط عمومی، مدیرکل این کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان گفت: این طرح ملی با همکاری مشترک کانون، آموزش و پرورش، سازمان نوسازی مدارس و سازمان امور اجتماعی وزارت کشور اجرا می شود و به طور ویژه بر ایجاد کتابخانه های کلاسی در مدارس کمبرخوردار تمرکز دارد. الهه

تولید نهال برای احیای ۹۵۰ هکتار مرتع

هکتار مرتع با ۵۸۰ هزار اصله نهال و عملیات تکمیلی مانند بذرپاشی هزار و ۵۰۰ هکتار و کنترل فاروئر (ایجاد شیار) ۵۲۰ هکتار، تلاش می کند تا این تهدید را مهار کند. معاون فنی و آبخیزداری اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری گلستان گفت: ۵۸۰ هزار اصله نهال مرتعی و بیابانی در سه نهالستان استان تولید شده و برای پوشش ۹۵۰ هکتار مرتع اولویت دار آماده انتقال به عرصه های هدف است که ۷۰۰ هکتار آن به صورت مشارکتی با جوامع محلی اجرا می شود. رمضان بهترک افزود: عملیات تکمیلی شامل کنترل فاروئر در ۵۲۰ هکتار، بذرپاشی هزار و ۵۰۰ هکتار، جمع آوری ۱۰ تن بذر گونه های اترپلکس و سالسولا و حفاظت و قرق ۷۰۰ هکتار مرتع است. مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری گلستان هم از اجرای طرح مراتع خصوصی در ۱۴۷ هکتار دیم زارهای کم بازده شمال استان خبر داد و گفت: کشاورزان دارای زمین های دیم کم بازده می توانند با مراجعه به ادارات منابع طبیعی شهرستان ها، درخواست تبدیل زمین به مراتع خصوصی دامپروری را ثبت کنند. علی اصغر نیکویی، اظهار کرد: این طرح علاوه بر افزایش پوشش گیاهی، تثبیت خاک و کاهش فرسایش را به دنبال دارد.

گلستان با ۸۶۲ هزار هکتار مرتع بیلاقی و قشلاقی، یکی از کانون های اصلی تولید محصولات کشاورزی و پرورش دام در کشور به شمار می رود اما ۳۰۶ هزار هکتار از مراتع شمالی این استان در معرض بیابانی شدن قرار دارد که ۱۳۰ هزار هکتار آن کانون بحران و ۷۰ هزار هکتار با تهدید ریزگرد مواجه است. به گزارش ایرنا، اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری گلستان با اجرای طرح های نهال کاری پاییزه، احیای ۹۵۰

دفاعیه سقراط، فلسفه ای



حسینعلی عرب

معرفی:

رساله‌ی آپولوژی یا «دفاعیه سقراط» از آثار فلسفی-ادبی افلاطون و یکی از متون بسیار مهم و بنیادی بر جای مانده از فلسفه یونان باستان است. این رساله در حقیقت گزارشی از دفاعیات سقراط در دادگاه آتن در سال ۳۹۹ پیش از میلاد است؛ زمانی که وی به اتهام فساد جوانان و عدم باور به خدایان و معرفی خدایان جدید، محاکمه و محکوم به مرگ شد. این محاکمه در زمان حکومت دموکرات ها و علی رغم عفو عمومی اعلام شده برای آزادی مخالفان از جمله سوفیست ها، انجام شده است. دلیل آن ترسی بود که به سبب لب فرو نیستن سقراط در خرده گیری از شیوه حکومت دموکراسی در دل رهبران سیاسی آتن ایجاد شده بود. اما از آنجایی که محاکمه او به اتهام سیاسی بعد از اعلام عفو عمومی امکان پذیر نبود، مخالفان او سه تن به نام های آنتیوس، ملتوس و لیكون را برانگیختند تا سخنانی را که سقراط در گفتگوهای فلسفی با جوانان درخصوص خدایان گفته بود را دست آویز قرار داده و با متهم ساختن او که «خدایان رسمی آتن را قبول ندارد و با سخنان کفرآمیز خود، جوانان را از راه به در می کند»، بر علیه سقراط اقامه دعوی نمودند. افلاطون که خود از شاگردان مستقیم سقراط بوده و در دادگاه نیز حضور داشت در این اثر ارزنده و تاریخی به خوبی تلاش کرده که نه تنها متن دفاعیات او را ثبت و ضبط کند، بلکه اندیشه و شیوه‌ی فلسفی سقراط را نیز بازتاب دهد. این دفاعیه از سه بخش اصلی تشکیل شده است؛ در بخش نخست سقراط در دفاع از خود می پردازد، بخش دوم شامل سخنان او پس از صدور رأی دادگاه به گناهکاری اوست و بخش سوم و پایانی سخن او پس از اعلام مجازات مرگ ارائه شده است. در این رساله سقراط با بیانی ساده و شجاعت کم نظیر اما مستدل و ژرف، به دفاع از خود و افکار و اندیشه هایش می پردازد و هر چند او به دنبال تبرئه خود نبوده و انتظاری هم نداشته که در این دادگاه با شرایط حاکم بر آن تبرئه شود، اما هدف او افشاگری و معرفی افراد نادان و بیخردی بود که بر جای بزرگان نشسته بودند. سقراط همچنین در این دفاعیه به دنبال معرفی حقیقت فلسفه و توجه دادن به معرفت و دانایی بوده است و با شایستگی و درایت کامل ارزش های انسانی، میدان اخلاق و معرفت‌شناسی را به خوبی به نمایش می‌گذارد. او در این فرایند با شجاعت اخلاقی، فروتنی معرفتی و تعهدی راسخ به رسالت فلسفی خود، معنایی نو از عدالت، فضیلت و حقیقت را آشکار می‌سازد. شاید بشود گفتن که این سخنرانی صرفاً یک متن دفاعیه سیاسی یا حقوقی نیست، بلکه خطابه‌ای در معرفی اندیشه های فلسفی یونان باستان بر پایه‌ی خودآگاهی، پرسشگری و مسئولیت اخلاقی در راه رسیدن به حقیقت است.

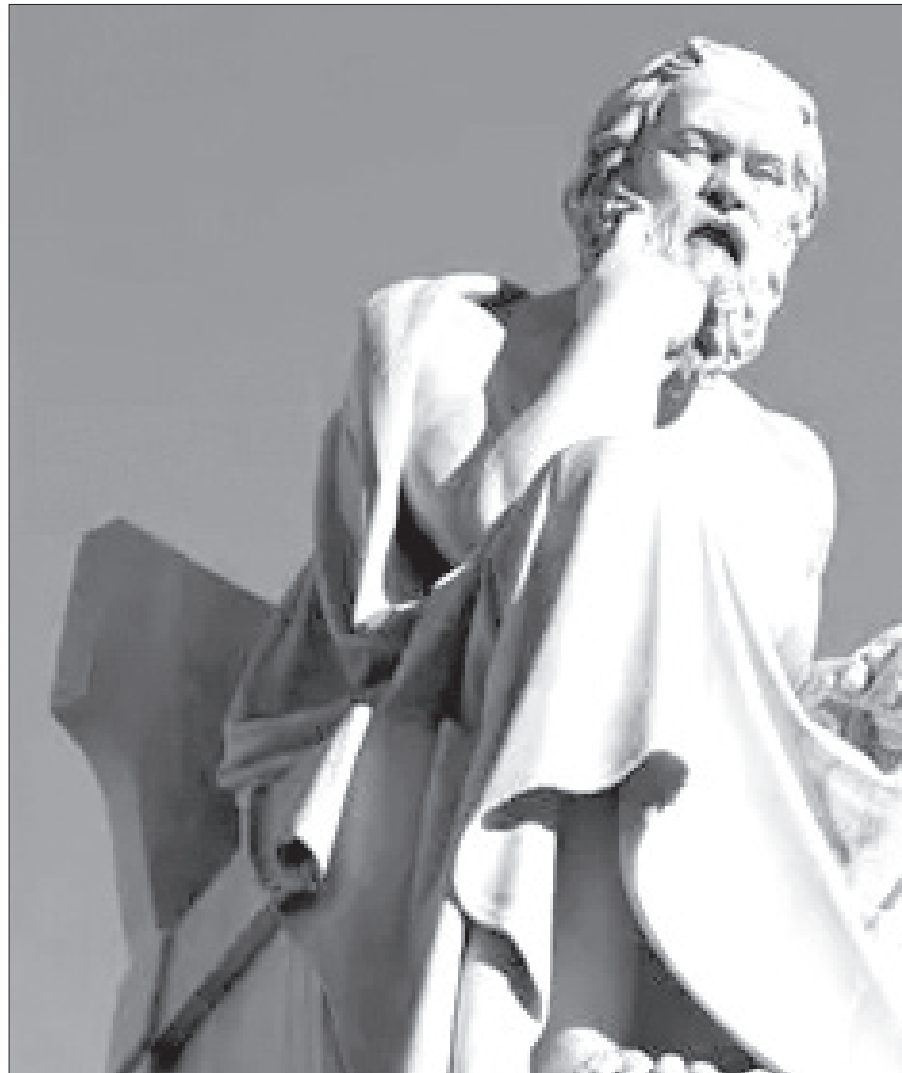
خلاصه رساله:

دفاعیه سقراط دارای محورهای مختلفی از جمله افشای زمینه سازی ها برای متهم کردن او، دفاع معرفت شناختی و استدلالی از افکار و اندیشه های خود، رد اتهامات فساد جوانان و بی اعتقادی به خدایان آتن، تأکید بر درستی راه و افکارش، داشتن مأموریت از طرف خداوند و استقبال شجاعانه از مرگ پس از صدور حکم اعدام، می باشد. سقراط پس از قرائت اتهاماتش، دفاعیه خود را با این عبارت آغاز می کند که هیچکدام از اتهامات و سخنان شاکیان راست نبوده و می گوید، اما آنچه از من خواهید شنید جز راست نخواهد بود و خطابه ای دلنشین مانند گفتار آنان نخواهد بود که از سخنان گزیده و زیبا ترکیب شده باشد. بلکه با شما به سادگی سخن خواهم گفت و در دفاع خود همان گونه سخن خواهم گفت که همواره در میدان های شهر و میزهای صرافان گفته ام. در ادامه می گوید که بر زبان شهر خود سخن می گوید و لذا نباید بر او خرده گرفت، بلکه تنها بدان توجه شود که آنچه می گوید راست یا نه؛ زیرا وظیفه قاضی تمیز دادن حق از باطل است و وظیفه سخنگو سخن راست گفتن. سقراط در ادامه دفاعیات خود به دو گروه از مخالفان خود اشاره می کند، یک گروه که او آنها را مدعیان دیرین می نامد و می گوید دشمنی آنان با او پس طولانی است و دیرگاهی است که از او پیش مردم شکایت برده اند و در پی بدنامی او بوده اند و گروه دوم کسانی اند که سخنان بدگویان را باور کرده اند و بر علیه او اقامه دعوی کرده اند. سقراط می گوید که از دوران جوانی خود در میان مردم آتن شایعه بوده که «او در آسمان و زیر زمین کاوش می کند و سخن باطل را حق جلوه می‌دهد». او ریشه این سوءبرداشت را ناشی از نمایشنامه‌ی اریستوفانس و حسادت و کینه‌ی مخالفان قدیمی خود می‌داند و از نظر او اتهامات رسمی دادستان ها (میلتوس، آنتیوس و لیكون) تنها نمود ظاهری دشمنی های دیرینه است. لذا در پاسخ به این سؤال که چرا گروهی در پی بدنام کردن او هستند، می گوید علت آن دانش خاصی است که او دارد و آن دانشی بشری است که در آن صاحب نظر است. سقراط در ادامه دفاعیه خود روایت هایی را درخصوص شهرتش نقل می کند؛ از جمله اشاره می کند که دوستش کرفون به پیشگوی معبد دلفی مراجعه کرده بود و وقتی از خدای معبد پرسیده که آیا کسی داناتر از سقراط است، پاسخ آمده که هیچ کس داناتر از سقراط نیست. سقراط می گوید، وقتی این خبر به گوشش رسیده شکفت زده شده و این موضوع برایش به صورت معما در آمده بود چون خودش می داند که از دانایی کمترین بهره ای ندارد. از این رو تصمیم گرفت با سیاستمداران، شاعران، هنرمندان و افراد مختلفی که به دانایی مشهورند مراجعه کند تا به خدای دلفی ثابت کند که آنها از او داناتر هستند. سقراط می گوید وقتی با یکی از مردان مشهور سیاسی که به نظر مردمان و به نظر خود بسیار دانا می آمد، گفتگو کرده و او را خوب آزموده بود، و دریافته که بوئی از دانایی به مشامش نرسیده است. سپس می گوید وقتی کوشیدم برای او روشن کنم پنداری که درباره خود دارد نادرست است، از او آزرده شده و بعد از بیرون آمدن از خانه او دریافته که خود پراستی از او داناتر هست. سقراط می گوید در حالیکه خود و او در نادانی برابر بوده اند ولی او با اینکه هیچ نمی دانست گمان می برد که داناست، در حالی که من نه می دانستم و نه خود را دانا می پنداشتم؛ پس دانستم که من از او داناترم، زیرا اگر چیزی را ندانم خود را دانا به آن نمی پندارم. سقراط در دادگاه ادامه کاوش های خود را در مورد مصاحبه و آزمون شاعران و پیشه وران مختلف را به تفکیک شرح می دهد و نتیجه یافته های خود را به این صورت بیان

می کند که صاحبان حرف و هنر گرچه دانش هایی داشتند، اما دچار «توهم دانایی» بودند. پس از آن سقراط به این جمع بندی می رسد که دلیل دانایی او در این است که می دانم که نمی دانم و ادامه می دهد که این جست و جو و کاوش باعث شده که گروهی او را به دیده دشمنی بنگرند و تهمت های ناروایی بر او وارد سازند که سبب مشهور شدنش به دانایی شده است. سقراط در بخشی از خطابه خود تأکید می کند که داننده راستین جز خدا نیست و مراد خدا از پاسخی که بر زبان سخنگوی معبد دلفی جاری ساخته این بود که بی ارجی بشر را عیان سازد و نام او را برای مثال برده تا بگوید که داناترین شما آدمیان کسی است که چون سقراط بداند که هیچ نمی داند. سقراط می گوید کسانی که اتهام «سقراط اسرار آسمان و زیر زمین را کاوش می کند، منکر خدایان است و باطل را حق جلوه می دهد» را بر زبان خود جاری می سازند، می خواهند با این کار درماندگی خود را پنهان سازند، ولی هرگز حقیقت را نمی گویند. آنها به جای اینکه به نادانی خود پی ببرند بر او خشم می گیرند و می گویند سقراط جوانان را گمراه می سازد. او با اشاره به کوتاهی زمان برای دفاع کامل از خود و بیان تمامی حقایق، می گوید دشمنی بسیاری نسبت به او به این دلیل است که او رسالتش را به جای پژوهش درباره پدیده های طبیعی، بر بررسی ارزش های انسانی و اخلاق قرار داده است و در جست و جوی کسب حقیقت از طریق پرسشگری و آزمون عقاید مدعیان دانش

است. سقراط ادامه می دهد که بسیاری از جوانان از پژوهشی که او بدین سان درباره آدمیان پیش گرفته لذت می برند و به دنبالش می آیند و از او تقلید می کنند و بر همان مینا به آزمایش اشخاص می پردازند. اما کسانی که در معرض آزمایش قرار می گیرند به جای آنکه به نادانی خود پی ببرند بر او خشمگین می شوند و می گویند سقراط جوانان را گمراه می سازد. اگر کسی از آنان بپرسد سقراط چه چیز به جوانان چه می آموزد و چگونه آنان را از راه به در می کند، جوابی ندارند و برای اینکه درماندگی خود را پنهان سازند همان اتهامات بی اساس منکر خدایان بودن و کاوش درباره اسرار آسمان را تکرار می کنند. لذا می گوید هر چند می دانم که فاش کردن حقیقت سبب دشمنی بیشتر نسبت به او خواهند شد اما می گوید که راهی جز راستگویی نمی بیند و سبب بدنامی او همین راستگویی است. او در ادامه دفاعیاتش یکی از افرادی را که بر علیه او اقامه دعوی کرده بود را به گفتگو فرا می خواند و درباره اشخاص واجد صلاحیت در تربیت جوانان از او سؤال می کند که آن فرد مدعی می شود که همه افراد لایق تربیت جوانان می باشند. سقراط با تعجب می پرسد مگر می شود همه در اندیشه تربیت جوانان بوده باشند به جز خودش که به ادعای متهم کنندگان در

برای رسیدن به حقیقت



پی تباهی آنان بوده است، و پس از طرح سوالات دیگر در همین خصوص، می گوید بسیاری از کسانی که او با آنان در ارتباط هستند از نزدیکان اویند و لذا می پرسد مگر می شود کسی برای نزدیکان خود زبان بخوهد؟ بدین ترتیب سقراط به خوبی ثابت می کند که اتهام فساد جوانان بی پایه است، چون افراد بدکار به جامعه و اطرافیان نیز آسیب می زنند، خود نیز از ضرر وارده آسیب می بیند و لذا عقل ایجاب نمی کند کسی عمداً چنین زبانی را بر خود روا دارد. اگر هم نادانسته چنین کرده باشد، باید او را از خطایش آگاه سازند و شایسته تذکر است نه محاکمه. سقراط می گوید در حالیکه مخالفان هیچوقت به سراغش نرفته و او را به اشتباهش واقف نساخته اند، لیکن او را به دادگاه فرا خوانده و محاکمه اش می کنند. او درخصوص وجود تناقض در اتهام بی دینی می گوید که مخالفین او مدعی اند که: «سقراط به خدایان باور ندارد اما خدایان دیگری را می پرستد!» بدین جهت سقراط نتیجه می گیرد که طرح چنین اتهامات نشان از ناآگاهی و تناقض گویی دارد و بنابراین اتهام زندگان خود معتقدند که او مطلقاً منکر خدایان نیست. سقراط در این دادگاه و در دفاعیه اش به نقش یک فیلسوف متعهد و عدالت جو تأکید دارد و می گوید کسی که راهی را درست

فعالیت های تربیتی و اجتماعی می گوید از نظر حیثیت ملی و اجرای عدالت و لزوم تن دادن به قانون، در شأن و جایگاه او نیست که زاری کند و از دادگاه بخوهد که به حال او رحم آورند و آزادش کنند. او در پایان این بخش از دفاعیه اش گفت که تلاش کرده تا حقیقت را بر آنان روشن سازد و بیگناهی خود را اثبات کند و اگر بخوهد با استغاثه و زاری دادگاه را به شکستن سوگند برانگیزاند خود دلیلی بر این است که وجود خدایان را منکر است و انکار آنان را به مردم می آموزد. هیئت منصفه پس از شنیدن دفاعیات سقراط، او را با اختلاف اندک رأی گناهکار دانستند، اما سقراط پس از شنیدن رأی می گوید که از این رأی خشمگین نیست و آزاده نشده، چون برخلاف انتظارش نبوده است. پس از اعلام رأی چون از او خواسته شده بود که مجازاتش را خود تعیین کند او مجازات مرگ را پیشنهاد می کند و در جواب اینکه چرا پیشنهاد جرمه سنگین برای رهایی از مرگ را نداده می گوید، مالی ندارد که از عهده جزای سنگین نقدی بر آید و در اینصورت مجبور خواهد بود تا پایان عمر در زندان بماند. پس از آن پیشنهاد جرمه ای ناچیز را می دهد و چون پذیرفته نمی شود با کمک دوستانش جرمه بیشتری پیشنهاد می دهد، اما از التماس و خودکم بینی می پرهیزد. چون پیشنهاد دوم هم پذیرفته نمی شود دادگاه مجازات مرگ را صادر می کند. پس از صدور مجازات مرگ سقراط بیان می کند که مرگ نه شر است و نه ترسناک؛ یا خواب بی رویاست یا فرصتی برای دیار با خرمندان گذشته است، و لذا او خود را پیروز واقعی محاکمه می نامد، چون حقیقت را فدای منفعت نکرد. سقراط با آرامش و صداقت، به کسانی که به او رأی گناهکاری داده اند هشدار می دهد که عقوبت اخلاقی در پیش خواهند داشت و به دوستانش نوید می دهد مرگ برای نیکان زیان آور نیست. می گوید آنچه پس از مرگ او برای اعدام کنندگان او روی خواهد داد به عکس آرزوهایشان خواهد بود؛ زیرا بس کسان سر برخواهند داشت که آنان را به پای محاسبه خواهند کشید و به آنان می گوید اگر در این گمان هستید که با کشتن افراد می توانید مانع از آن شوید که زندگی زشت شما در برابر دیدگانتان قرار داده نشود، سخت در اشتباهید. بدانید که والاترین و انجام پذیرترین راهها این است که انسان آزادی را از دیگران سلب نکند، بلکه بکوشد که خود را هر روز خرمندتر و بهتر بگرداند.

تحلیل و جمع بندی:

آپولوژی افلاطون در حقیقت محاکمه سقراط در دادگاهی است که شاکیان آن دست اندرکاران دموکراسی آتن بودند که معتقدند سقراط با «توهین به مقدسات» و «تشویش و گمراه کردن افهان جوانان» باعث فریب و انحراف مردم آتن شده است (گناهی که بسیاری از روشنفکران و متفکران بزرگ تاریخ به خاطر آن محاکمه و مجازات شده اند). اما سقراط به عنوان یکی از قهرمانان اندیشه و تفکر و به عنوان یک پرسشگر همیشگی و در حالیکه امید می به تیره شدن خود نداشت تلاش کرد از فرصت به دست آمده استفاده کند و تحت عنوان دفاعیه، مدام آنتیان را به اندیشیدن در کردار، رفتار و گفتار خود دعوت کند. محاکمه سقراط نشان از سقوط و انحطاط دموکراسی و جامعه آتن آن روز بوده است. دغدغه هایی که سقراط در دادگاه مطرح می کند، دغدغه های اصلی تمام اندیشمندان و انسان های بزرگ در طول تاریخ است. فضیلت، صداقت و خودشناسی از مهم ترین اصول سقراط است، اصولی که به قیمت جان به پای آنها نوشته شده است. ندای جاودان سقراط ندایی برای همه زمان ها و همه انسان ها در اعصار تاریخ است. سقراط با مخاطب قرار دادن مداوم آنتیان گویی تمام انسان ها در تمام اعصار را مورد خطاب قرار داده و نهیبی بر آنها می زند تا وظیفه انسانی خود و

مسئولیت فردی و اجتماعی شان را یادآور شود. سقراط در این دفاعیه به خوبی نشان می دهد که فلسفه هنر اندیشیدن درباره حقیقت، ارزش های انسانی و حقایق مربوط به زندگی شرافتمندانه است. اگرچه نمی توان همگان را به مطالعه فلسفه و آثار فیلسوفان بزرگ فراخواند، اما می توان آنها را به اندیشیدن درباره آنچه فیلسوفان گفته اند و زندگی انسانی مرتبط با خود و دیگران، فراخواند و دعوت کرد. دفاعیه سقراط نه فقط نظریه، بلکه نمونه ای از «زندگی فلسفی» است و او می خواهد نشان دهد که فلسفه با زندگی مردمان درهم آمیخته است و روشی برای آموختن و تمرین صداقت، فروتنی معرفتی و مقاومت در برابر ناعدالتی ها است. در این جا فلسفه نه مکتبی محدود به بحث های نظری، بلکه راهی برای اصلاح نفس و جامعه است. مضمون مرکزی این رساله و دفاعیات سقراط، فروتنی معرفتی، یعنی دانایی در آگاهی به نادانی خود است و سقراط با افشای جهل مدعیان دانش، نظام ارزشی جامعه آتن را به پرسش کشیده است. او در تلاش است که تا توهم دانایی یا «خودفریبی معرفتی» که بسیاری از سیاسیون و افراد مدعی علم و معرفت به آن دچار هستند را افشاء کند. زیرا انسان ها غالباً می پندارند دانا هستند در حالی که دچار جهل مرکب هستند. پیام سقراط هنوز زنده است و برای بسیاری از جوامع امروز نیز معتبر است. او می خواست این پیام را به جوامع بشری بدهد که جامعه ای که نقد و پرسشگری را سرکوب کند، دچار زوال فکری و اخلاقی می شود. سقراط الگوی یک شهروند اهل تفکر و اندیشه است که به قانون احترام می گذارد اما در برابر ظلم تمکین نمی کند و استدلال می کند که عدالت مقدم بر امنیت، حقیقت مقدم بر مصلحت و وظیفه وجدانی مقدم بر منافع شخصی است. برخلاف تصور سطحی اندیشان، سقراط نه بی دین است و نه معارض با دین بوده، بلکه حتی باور داشت که اقداماتش براساس فرمان خدا بوده است. دین سقراطی، دینی عقلانی و اخلاقی است و معتقد بود که خدا خیر انسان ها را می خواهد و آنان را به فضیلت و سعادت فرا می خواند. محاکمه سقراط نمونه ای از برخورد جامعه با اهالی فکر و اندیشه است و نشان می دهد که روشنفکران مستقل و عدالت جو قربانی تعارض میان حقیقت و قدرت می شوند؛ هر چند نظام سیاسی ادعای دموکراسی را داشته باشد. خلاصه اینکه افلاطون با نوشتن رساله آپولوژی و گزارش دفاعیه سقراط همی خواسته نشان دهد که بدون تربیت اخلاقی و فلسفی، دموکراسی نیز به نظام سلطه و پوپولیسم می انجامد و سقراط با پذیرش مرگ نشان می دهد که حقیقت بالاتر از زندگی بپولوتیک است. رساله آپولوژی سندی جاودانه از ورود فلسفه به متن زندگی اجتماعی انسانها و نشان دادن مسئولیت اخلاقی و کنش نقادانه متفکران و اندیشمندان است. سقراط نشان داد که آگاهی شخص به نادانی خودش، سرچشمه حکمت است و فلسفه نه مجموعه ای از گزاره ها، بلکه شیوه ای برای زیستن است، و انسان باید به حقیقت وفادار باشد؛ حتی اگر هزینه آن به قیمت از دست دادن جانش باشد. سقراط همچنین نشان داد که جامعه و سیاست بدون اخلاق و تفکر انتقادی به فساد می افتد و مرگ برای انسان نیک نه یک خسارت و نابودی که انتقال به مرتبه ای دیگر است. بالاخره، دفاعیه سقراط هشدار می دهد که جامعه ای که صدای اندیشه را خاموش کند محکوم به زوال است. افلاطون با ثبت این سخنرانی، نه فقط از استادش دفاع می کند بلکه خواسته بنیان سنت فلسفه حقیقی را پایه گذاری کند؛ سنتی که در آن پرسشگری مقدس است و حقیقت والاتر از قدرت و سیاست است.

استاد فارماکولوژی و دانشجوی فلسفه

این پروژه ملی طی ۲۱ سال گذشته با عملیات کند و نسبی پیش رفته و ۳۸ درصد از خطوط جمع آوری فاضلاب، ۹۶ درصد ایستگاه پمپاژ و ۵۸ درصد تصفیه خانه آن انجام شده است. طول کل شبکه اصلی فاضلاب شهری آزادشهر ۳۴ هزار و ۷۰۰ متر و طول شبکه فرعی آن ۶۰ هزار و ۷۰۰ متر است که این شبکه‌ها با یک خط انتقال به طول سه هزار و ۱۰۰ متر به تصفیه‌خانه منتقل می‌شوند. همچنین قرارداد فعلی این پروژه زیر ساخت، ۱۸۰۰ میلیارد ریال است که به لحاظ پیمان تاکنون ۳۹ درصد پیشرفت فیزیکی

برابر رثی شماره ۱۴۰۶، ۳۱۲۰۰۰، ۲۶۶۳ هجرات اولی دوم موضوع قانون تعیین تکلیفیه و حصیت رثی اراضی و ساختمان‌ها این فاقه سند رسمی استوار و واحد ثبت حوزه ثبت ملک میوندشت تصرفات مالکانه بعارضاضی متقاضی اقای/خانم محمد رحمتی فرزند دینت اله بیته اله سنسانامه شماره ۲۱۸ صادره قم با کدملی شماره ۳۰۸۵۴۱۶۷۸۴ در یک قطعه زمین مزروعه به مساحت ۱۱۳۱ مترمربع پلاک فرعی از ۲۴- اصلی واقع در میوندشت حقوق ارتفاقی مالک به با حق عبور از مجاورین و بالعکس طبق عرف محل فرج الفجر خریداری از اطاق رسمو آقای امام وردی پسر سلو فرزند پیرودی عجز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، بدین بهی که ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دخواست است به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدین هی است در صورتی انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد تاریخ انتشار نوبت اول: سه شنبه ۱۴۰۶، ۹، ۲۷ تاریخ انتشار نوبت دوم: سه شنبه ۱۴۰۶، ۹، ۲۷

مطهری، رحیم آبادی- رئیس ثبت اسناد و املاک میوندشت- م الف ۱۱۷۰۲

کشاورزی و از سال ۱۳۴۷ در دفتر اسناد رسمی شماره ۶ گرگان، کار کرد. در سال ۱۳۳۶ در آزمون دفترباری و دفتر اسناد رسمی پذیرفته شد. از سال ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۹ با سمت دفتربار دفتر اسناد رسمی شماره ۱ گرگان، مشغول به کار شد. تا اینکه از سال ۱۳۳۹ تا سال ۱۳۶۴ سرفتر اسناد رسمی شماره ۸ گرگان بود. سرانجام در ۱۳۶۴/۱۲/۲۴ درگذشت. بخشی از پاساژ قدس واقع در خیابان امام خمینی گرگان، متعلق به این خانواده است.

۴- کمالی

بزرگ آنها، حبیب فرزند محمدابراهیم و نوه کمال است. اصالتاً دامغانی و مقتی بودند. اما خاندان او، از سالهای خیلی دور، به گرگان آمدند و سرگرم تجارت شدند. او در خیابان امام خمینی مغازه داشت و همان جا، خانه‌اش بود. چند فرزند داشت: ۱- حاجیه خانم که همسر دکترخلیل فلسفی (نماینده مردم گرگان و دشت در مجلس شورای ملی و بنیانگذار مرکز مبارزه با سل در ایران) بود. آنها دو تا دختر داشتند که یکی همسر دکترسورن رهنما (فرزند حسینعلی و بنیانگذار داروخانه دکتر رهنما) و دیگری همسر سید هاشم موسوی (بنیانگذار کلینیک موسوی) شد. ۲- ملوک که همسر علیرضا جرجانی فرزند سردار اشرف شد که آنها در شاهروند زندگی می‌کردند. ۳- عطاء ۴- حجت ۵- پروین که همسر اسد باقری (از پیشکسوتان روزنامه نگاری در گرگان) بود. ۶- نسرين که همسر دکتر زکریا هادیان (متوفای ۱۳۹۱) شد که آنها به آمریکا رفتند. ۷- لیلی که همسر دکتر رضایی شد.

پژوهشگر



و به او دفتر وکالت داده شد. سرانجام در سال ۱۳۴۷ درگذشت. او چند فرزند دارد: ۱- سورن که داماد دکتر خلیل فلسفی و حاجیه خانم کمالی شد. او بنیانگذار داروخانه رهنماست که ملتی در روبه روی پارک شهر قرار داشت. ۲- محمد که کارمند شهرداری و عضو شورای شهر بود. ۳- مهین دخت که همسر حسن سمنانی (فرزند یوسف) شد. این زوج هر دو فرهنگی بودند. آنها سه فرزند به نام های شهرام، شهریار و مرجان دارند که دوتای آنها پزشک شدند. خانواده رهنما متولی حمام رهنما (مشهور به میرکریم) بودند. پس از آنها محمد امیرلطیفی، متولی آن شد. آنها دبیرستان رهنما را در سال ۱۳۴۵ در پاساژ شیرنگی راه اندازی کردند که ابتدا ملی (خصوصی) و سپس دولتی شد. پس از انقلاب، به دبستان ابتدایی رازی تبدیل شد. مسیح ذبیحی پدر تاریخنگاری گرگان، در این مدرسه، دبیر ادبیات و برادرش (عزیز) ناظم مدرسه بود. رحمت الله جبیری، هوشنگ رضایی، سیدمصطفی سیدین از دیگر آموزگاران این مدرسه بودند.

۳- قدس

آنها اهل محله دباغان هستند. بزرگ آنها، مردی به نام شیخ علی فرزند ملائبی بود که او را با نام مجتهد می‌شناسند. در مسجد نزدیک خانه اش، پیشنماز بود. او برای مبارزه با بی حجابی (کشف حجاب) تلاش کرد. محمدرحیم تاجر (باقری) خانه‌ای در کنار امامزاده نور داشت که آن را به او داد اما پسرانش آن را فروختند. اکنون جای آن، آپارتمان شده است. او در مدارس استرآباد تدریس می‌کرد. شاگردان زیادی داشت که یکی از آنها، عبدالعالی سپهر استرآبادی بود. شیخ علی، با سیده بانو بی بی بیگم عقیلی (فرزند آیت الله سیدکریم) ازدواج کرد. آنها ۳ دختر و ۲ پسر (عبدالنبی و عبدالکریم) دارند که یکی از دخترانش، همسر ابوطالب واثقی است. سرانجام او، حدوداً در سال ۱۳۲۰ خورشیدی درگذشت. عبدالنبی قدس در سال ۱۳۰۰ به دنیا آمد. او در اولین دوره پیشاهنگی گرگان (سال ۱۳۱۶) عضو بود. ملتی در اداره غله و سپس در اداره

دوشنبه‌ای زندگی می‌کردند. خانه‌شان در محله دوشنبه‌ای بزرگ بود و ارزش تاریخی داشت. آن همان خانه داروغه شهر استرآباد بود که در سال‌های گذشته، ویران شد. یکی از اجداد آنها، قاسم رفیع نام داشت که تاجر بود. اموال او را زدیلند و سرانجام در تغلیس (پایتخت گرجستان) کشته شد و همان جا، به خاک سپرده شد. او سه پسر و دو دختر داشت. ۱- محمد جعفر ۲- هاشم ۳- محمدمهدی که پدر قاسم می‌شود. قاسم با دختر دایی اش (فروغ واثقی فرزند حسن) ازدواج کرد. ۴- نرگس که همسر رحمت صادقی (متوفای ۱۳۵۲ و ملفون در امامزاده مرادبخش) شد. ۵- خیرالنساء که با خانواده شکوری ها ازدواج کرد. از دیگر مشاهیر این خانواده، مردی به نام کاظم اشکنه بود. او چند پسر داشت. یکی یدالله دیانی (پدر سهراب و قدرت) بود. دیگری مرد پهلوانی به نام دایی زین العابدین (متوفای ۱۳۳۸ و ملفون در امامزاده مرادبخش) بود که در شرق خانه خراسانی‌ها زندگی می‌کرد. او هم سه پسر داشت که هر کدام، فامیلی جداگانه ای برای خودشان برگزیدند: همایونفر (صمد) اللهگاهی (اسد)، مسیبی (قاسم). برخی از این خانواده، ویژه سهراب دیانی و صمد همایونفر، در راه اندازی و همکاری در برنامه‌های تکیه جوانان محله سبزه مشهد نقش داشتند. از دیگر بزرگان آنها، رمضان پزشک پور بود که با خانواده کاظمیان ازدواج کرد. او از متولیان تکیه محله سبزه مشهد (عابلی دوشنبه یا حزینی ها) بود. فرزندی به نام نصرت الله داشت که پزشک شهر دانی بود و در سال ۱۳۳۳ درگذشت. او در دهه پایانی ماه صفر، در مسجد قدمگاه امام عسکری، برنامه روضه خوانی داشت. همسرش، دختر خانواده‌های قرآنی (از اهالی محله پاسرو) و شمشیرساز (از اهالی محله دباغان) بود. آنها هفت فرزند دارند که یکی از آنها علیرضا نام دارد که فرهنگی، مجری تلویزیون و از اعضاء شورای شهر گرگان بود.

۲- رهنما

آنها اهل محله میرکریم هستند. بزرگ آنها، حسینعلی رهنما است. او آخوند بود. پس از اینکه رضا شاه، دستور داد تا روحانیون، لباس ویژه نپوشند او لباسش را درآورد

«

خانواده‌های گرگانی



محمدانصار

در شماره ۳۰۲۹ روزنامه گلشن مهر، یکی از خانواده‌های گرگانی را معرفی کردیم. در زیر، با چند خانواده دیگر، گذرا آشنا خواهیم شد.

۱- دیانی

آنها از خانواده‌های قدیمی هستند. هر کدام از آنها، برای خودشان، فامیلی جداگانه‌ای برگزیدند مانند: دیانی، اللهگاهی، دیانی فرد، پزشک پور، مسیبی، کاظم نژاد، همایونفر، فروغی و برخی از آنها در محله سبزه مشهد و بقیه در محله

«

زمینی برای سکونت یا گوری برای ابدیت

ابراهیم سرشار

در چند سال اول انقلاب بازار تعاونی های مسکن داغ بود. تقریباً همه ادارات، تعاونی مسکن داشتند و بدون دخالت و حمایت دولت، پولی روی هم

می گذاشتند و زمینی می خریدند و چند سال بعد صاحب مسکن می شدند. به همین راحتی. هر چند صاحب مسکن شدن امروز، برای جوان ها تبدیل به یک آرزوی دست نیافتنی شده است، اما آن سالها تعاونی های مسکن موفق ترین مسیر، برای رسیدن به سرپناه کارمندان و کارگران جوان بودند. سال ۶۱ کارمند رادیو گرگان بودم. ۹۶ نفر از کارمندان، پول هایمان را روی هم گذاشتیم و چند هکتار زمین خریدیم چسبیده به گرگان در کوی طبیعت. در نقطه شرقی میدان مدرس. طبیعی بود که زمین چهار هکتاری داخل شهر نباشد مجبور باشیم خارج از شهر زمین بخریم. به این زمین ها می گفتند زمین های محدوده الحاقی. یعنی بزودی جزو محدوده شهر می شود. امیدها شکل گرفت و راه نجات از مستاجری داشت هموار می شد. از آن روز تا به امروز ۴۳ سال گذشته است. همه آن جوان های شاداب انقلابی تبدیل شده اند به پیرمردهایی در آستانه گور ابدی. اما زمین تعاونی مسکن صدا و سیما جزو محدوده شهر نیامد که

نیامد. ۴۳ سال هم هست که این زمین ها قطعه بندی شده و به صاحبانشان تحویل شده. یعنی ۴۳ سال است که هیچ دانه ای در آن ها کاشته نشده که بشود گفت زمین های کشاورزی و مانع ساخت و سازشان شد. طی این سالها گرگان تبدیل به مرکز استان شد. وسعتی چند برابر یافت، اما این زمین ها به داخل محدوده نیامد. در عوض رشد شهر به سمت جنگل های نه‌ارخوران بود و شهر توسط عده ای از ما بهتران، با درخت خواری و تپه خواری گسترش یافت. اما زمین های تعاونی مسکن صدا و سیما و چند تعاونی مسکن دیگر، وارد محدوده نشد. چون قیمت زمین در این منطقه پایین بود و خوش آب و هوایی جنوب گرگان را هم نداشت. حالا برخی از اعضای تعاونی مرده اند. برخی نگران سرپناه فرزندان جوان خود هستند و برخی دیگر قید ساخت مسکن را زده اند و از مسئولین می خواهند قطعه زمین ۴۳ ساله شان لااقل تبدیل به خانه آخرت آن ها شود. دوستی می گفت وصیت کرده ام وقتی مردم روی زمین خودم

کشمهر

۰۱۷۳۲۲۴۴۳۰۲

۰۱۷۳۲۲۵۱۳۱۶



آگهی مزایده عمومی شماره ۵۰۰۴۰۰۰۰۰۹۱۰۰۰۰۰۱ اجاره املاک و مستغلات

اداره کل پیزیستی استان گلستان در نظر دارد

املاک و مستغلات تحت اختیار خود را از طریق مزایده عمومی و با جزییات مندرج در اسناد مزایده، از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (SETADIRAN.IR) و با شماره مزایده ۵۰۰۴۰۰۰۰۰۹۱۰۰۰۰۰۱ به صورت الکترونیکی به صورت قرارداد اجاره یکساله غیر قابل تمدید واگذار نماید. زمان انتشار در سایت ۱۴۰۴/۰۸/۲۷ مهلت دریافت اسناد مزایده ۱۴۰۴/۰۹/۰۲ تا ۱۴۰۴/۰۹/۰۲ مهلت ارسال پیشنهاد قیمت از ۱۴۰۴/۰۸/۲۷ تا ۱۴۰۴/۰۹/۱۲ زمان بازگشایی ۱۴۰۴/۰۹/۱۳ زمان اعلام برنده ۱۴۰۴/۰۹/۱۵ جهت کسب اطلاعات تکمیلی به سایت پیزیستی و با سامانه ستادیران مراجعه نمایید.

شماره تماس ۰۱۷۳۲۲۲۳۵۵۴

شناسه آگهی ۲۰۵۰۰۱۹

سکوت نوجوانان؛

هیاهوی درونی یا فریاد خاموش؟!

وقتی سکوت نشانه ضعف است

وثوقی با نگرانی به جنبه دیگری از سکوت اشاره می‌کند: گاهی سکوت ناشی از بی‌مهارتی است. یعنی نوجوان به دلیل ناتوانی در ابراز وجود و ضعف در مهارت‌های ارتباطی، ناچار به سکوت می‌شود. این سکوت نوعی واکنش منفعلانه است، نه نشانه قدرت. چنین رفتاری می‌تواند نوجوان را در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار دهد. به همین دلیل ما روانشناسان تأکید می‌کنیم باید روی مهارت‌آموزی کار شود؛ این مهارت‌ها در گام نخست افزایش اعتماد به نفس، سپس آموزش ارتباط مؤثر و نهایتاً تقویت رفتار جرأت‌مندانه هستند. نوجوان باید یاد بگیرد خواسته‌هایش را بیان کند، نظرش را ابراز کند و از

می‌کند و می‌گوید: دوران نوجوانی به طور طبیعی زمانی برای کشف خود و شناخت ابعاد درونی است. نوجوان در دنیای خودش سیر می‌کند و همین خلوت درونی نوعی مرموز بودن ایجاد می‌کند. وقتی دیگران نمی‌دانند در ذهن نوجوان چه می‌گذرد، نسبت به او کنجکاوتر می‌شوند. این حس کنجکاوی، برای نوجوان جذاب است و او احساس می‌کند سکوتش به نوعی قدرت و جذابیت تبدیل شده است.

بمباران اطلاعات و چالش‌های ارتباطی

به گفته پریسا وثوقی، شرایط عصر دیجیتال فشار مضاعفی بر نوجوانان وارد کرده است؛ امروز بیش از هر دوره دیگری در تاریخ، انسان‌ها زیر بمباران



حق خود دفاع کند. اگر سکوت او از ضعف باشد، نه تنها مفید نیست بلکه خطرناک هم خواهد بود.

سکوتی که نشانه قدرت است

سکوت همیشه منفی نیست. خانم وثوقی در این خصوص توضیح می‌دهد: در رفتار جرأت‌مندانه سکوت یکی از تکنیک‌های مؤثر است. سکوت همراه با نگاه پرسشگرانه می‌تواند معنای عمیقی داشته باشد. در رفتار جسورانه، سکوت با نگاه پرسشگرانه، قدرتمندترین پیام را منتقل می‌کند. وقتی نوجوان در برابر اصرارهای بی‌مورد طرف مقابل سکوت می‌کند و تنها با نگاه می‌پرسد؛ چرا اصرار می‌کنی، این نوع سکوت نشان از قدرت دارد. در چنین شرایطی سکوت نه از ناتوانی، بلکه از توانایی در مدیریت موقعیت برمی‌آید.

سکوت به مثابه رازآلودگی

او در ادامه به جنبه دیگری از سکوت نوجوانان اشاره

سکوت نوجوانان این روزها تنها یک رفتار ساده نیست؛ پشت این خاموشی دنیایی از افکار، احساسات و گاه ناامیدی پنهان شده است. نسل زد که درگیر بمباران اطلاعات و فشارهای ارتباطی مداوم است، سکوت را هم ابزار دفاعی و هم راهی برای بازآفرینی خود میدانند. حال باید دید چرا نوجوانان امروز ترجیح می‌دهند به جای گفت‌وگو، سکوت کنند؟ آیا این سکوت نشانه ضعف و ناتوانی است یا راهی برای نشان دادن قدرت و استقلال؟ به گزارش ایرنا زندگی، سکوت در نگاه اول شاید ساده‌ترین رفتار باشد، بدون واکنش، بی‌صدا و خاموش، اما در دنیای پیچیده نوجوانان نسل زد، سکوت معنای دیگری پیدا کرده است. این نسل در عین آنکه ساعت‌ها در فضای مجازی مشغولند و در معرض سیل بی‌پایان اطلاعات قرار دارند، بیش از هر زمان دیگری سکوت اختیار می‌کنند. سکوتی که گاهی برای رسیدن به آرامش، گاهی از ناامیدی و در برخی مواقع حتی می‌تواند نشانه ضعف در مهارت‌های ارتباطی باشد. برای واکاوی این موضوع با پریسا وثوقی، روانشناس به گفت‌وگو پرداخته ایم.

سکوت؛ مفهومی وابسته به موقعیت

وثوقی در ابتدای این گفت‌وگو تأکید می‌کند که سکوت به خودی خود معنا و ارزش روانشناختی ندارد و باید در موقعیت‌های مختلف بررسی شود. معنای لغوی سکوت همان خاموشی و بی‌واکنشی است، اما از نگاه روانشناسی مهم این است که سکوت در چه شرایطی رخ می‌دهد. یکی از دلایل اصلی سکوت نوجوانان، شلوغی ذهنی و نیاز به خلوت است و گاهی نیز نشانی از ناامیدی است. نوجوان امروز، یا همان نسل زد، ذهنی پرهیاهو دارد. او ظاهراً در حال استراحت است، اما در واقع درگیر مشغله‌های فکری فراوان می‌باشد. یکی از دلایل اصلی سکوت نوجوانان، همین شلوغی ذهنی و نیاز به خلوت است. گاهی این سکوت نشانی از ناامیدی است. در بسیاری از مواقع نوجوانان وقتی احساس می‌کنند حرف زدن هیچ فایده‌ای ندارد و صحبتشان اثرگذار نیست، ترجیح می‌دهند واکنش نشان ندهند و سکوت کنند.

سبک ارتباطی نسل زد

این روانشناس ادامه می‌دهد: نسل جدید حتی در نوع گفتار و پیام‌رسانی نیز متفاوت هستند. نوجوانان امروزی کلمات و عبارات را کوتاه می‌کنند، پیام‌هایشان اغلب مختصر است و گاهی به جای جمله‌ای کامل تنها یک ایموجی می‌فرستند. این سبک خاص تعامل باعث شده که سکوت در زندگی روزمره‌شان پررنگ‌تر دیده شود. نسل جدید در گفتار و پیام‌رسانی با خلاصه کردن کلمات و استفاده از ایموجی‌ها، سکوت را در زندگی روزمره‌شان پررنگ‌تر کرده‌اند. وقتی نوجوانی با یک استیکر یا یک علامت کوچک کارش را راه می‌اندازد، طبیعی است که کمتر به توضیحات طولانی روی آورد.

حال آموزش است. نوجوانان حرف‌های زیادی دارند اما نمی‌دانند از کجا شروع کنند؛ والدین باید آن‌ها را به بیان احساسات تشویق کنند. سوالاتی که از نوجوان پرسیده می‌شود، باید باز باشند تا فرصت بیشتری برای توضیح پیدا کند. اگر تنها با پاسخ‌های یک‌کلمه‌ای روبه‌رو شویم، نشان می‌دهد هنوز فضای کافی برای بیان احساسات ایجاد نشده است. نوجوانان گاهی حرف‌های زیادی برای گفتن دارند اما نمی‌دانند از کجا شروع کنند. وظیفه والدین این است که آن‌ها را به بیان احساسات تشویق کنند.

الگو بودن والدین

وثوقی تأکید می‌کند؛ والدین خود باید الگوی ارتباطی خوبی باشند. وقتی نوجوان می‌بیند والدینش بدون قضاوت درباره دیگران حرف می‌زنند، با احترام گوش می‌دهند و حتی به سکوت او هم احترام می‌گذارند، یاد می‌گیرد چگونه رفتار کند. در واقع فرزند از رفتار والدین الگوبرداری می‌کند و همین می‌تواند نقش‌بزرگی در شکل‌گیری مهارت‌های ارتباطی او داشته باشد.

ضرورت آموزش همگانی

این روانشناس معتقد است، مهارت‌آموزی باید هم نوجوانان و هم والدین را در برگیرد و در این باره می‌گوید: اعتماد به نفس نقطه شروع هر موفقیتی است. نوجوان باید اعتماد به نفس پیدا کند، سپس وارد مسیر یادگیری ارتباط مؤثر، رفتار جرأت‌مندانه و حتی مهارت نقدپذیری شود. نقدپذیری در نسل زد اهمیت زیادی دارد، اما متأسفانه بسیاری از والدین خودشان نقدپذیر نیستند. وقتی والدین نتوانند انتقاد را بپذیرند، نوجوان هم یاد نمی‌گیرد. بنابراین آموزش باید دوطرفه باشد. او پیشنهاد می‌دهد: کارگاه‌های آموزشی برای والدین می‌تواند بسیار مؤثر باشد. کارگاه‌هایی که در آن‌ها مهارت گوش دادن فعال، شفاف صحبت کردن و احترام به فضای شخصی نوجوان آموزش داده شود. همچنین مدرسه، فضای مجازی و رسانه‌ها باید بستری برای آموزش عمومی فراهم کنند تا هم والدین و هم نوجوانان از آن بهره ببرند.

جمع‌بندی

با توجه به مصالحه این روانشناس می‌توان نتیجه گرفت: سکوت نوجوانان پدیده‌ای پیچیده و چندلایه است. این سکوت می‌تواند حاصل شلوغی ذهنی، نیاز به آرامش، ناامیدی، سبک ارتباطی خاص نسل زد یا ضعف در مهارت‌های اجتماعی باشد. گاهی سکوت ابزاری قدرتمند در رفتار جرأت‌مندانه است و گاهی نشانه ضعف و آسیب‌پذیری. آنچه اهمیت دارد، نقش والدین و بزرگ‌ترها در فهم درست این سکوت است. ایجاد فضای امن، آموزش مهارت‌های زندگی، الگوی ارتباطی سالم و پذیرش نوجوان به همان شکلی که هست، می‌تواند دیوار سکوت را بشکند و زمینه رشد فردی و اجتماعی او را فراهم کند.